

تبیین جامعه شناختی نهادینه کردن ورزش همگانی (مورد مطالعه: شهر تهران)

اعظم شیرویی^۱

رضا اسماعیلی^۲

سارا کشکر^۳

حسین اسدی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۴/۲۷

امروزه سلامت یکی از محورهای اصلی توسعه پایدار و بخش جدایی ناپذیر آن به شمار می رود. به عبارت دیگر، تصور داشتن یک جامعه توسعه یافته بدون داشتن افراد سالم تصور واهی است. ورزش به ویژه ورزش همگانی از آنجا که موجب امید به زندگی از طریق ارتقای سلامت افراد جامعه می شود، یکی از زیر شاخص های توسعه انسانی در جوامع قلمداد می گردد. لذا این پژوهش بر اساس رویکرد پیمایشی به تبیین تاثیر متغیرهای اجتماعی (خانواده، رسانه و آموزش رسمی) بر نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور پرداخته است. جامعه آماری آن شهروندان ساکن در شهر تهران می باشند. ۴۸۰ نفر به عنوان نمونه و به صورت تصادفی از ۴ منطقه شهری انتخاب شدند. داده ها با ابزار پرسش نامه جمع آوری گردید. پایایی پرسش نامه از طریق حد نصاب ضریب آلفای کرونباخ و روایی پرسش نامه با استفاده از روایی سازه صورت گرفت. نتایج همبستگی نشان داد که بین خانواده و نهادینه کردن ورزش همگانی ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی نیز گویای آن بود که نهاد خانواده نسبت به رسانه جمعی و آموزش رسمی می تواند پیش بینی کننده قوی تری برای نهادینه کردن ورزش همگانی باشد. همچنین نتایج همبستگی نشان داد بین رسانه و آموزش رسمی با نهادینه کردن ورزش همگانی رابطه معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: ورزش همگانی، رسانه، آموزش رسمی و خانواده

^۱ دکترای جامعه شناسی، مدرس دانشگاه، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Azam.shiroei@yahoo.com

^۲ استادیار، جامعه شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۳ دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۴ استادیار، جامعه شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران

ورزش همگانی پرداختن به مجموعه ای از فعالیت های ورزشی ساده، کم هزینه، بدون رسمیت، فرح بخش و با نشاط است که امکان شرکت در آنها برای همه افراد وجود داشته باشد (مول و همکاران، ۱۹۹۷: ۱۷۴). ورزش همگانی، ورزش برای همه در هر سنی، جنسی و نژادی با کمترین هزینه و با هدف سلامتی و بهبود زندگی همه انسان ها تعریف گردیده است.

ورزش همگانی در واقع فعالیت بدنی است که انرژی های ذخیره شده افراد را به قدرت تبدیل می کند و در حد ممکن انگیزه هایی در مردم برای ورزش کردن به وجود می آورد تا اوقات فراغت فعال داشته باشند. ورزش همگانی به عنوان چیزی کاملاً متفاوت از مفهوم اصلی ورزش تعریف شده است که نه تنها ورزش حقیقی، بلکه شاید تمام اشکال مختلف فعالیت بدنی از بازی های سازماندهی نشده خودجوش تا حداقل تمرین بدنی که به طور منظم اجرا می شود را در بر می گیرد (آمان، ۲۰۰۹: ۶۶۱). با توجه به این فواید بی شمار مشارکت در فعالیت بدنی که به خوبی اثبات شده است، هنوز درصد زیادی از افراد کشورمان بی تحرک هستند یا فعالیت بدنی کافی ندارند و به عبارتی، درصد مشارکت آنها در ورزش های همگانی به عنوان یک فعالیت بدنی بسیار کم است. حاصل مطالعات تفصیلی توسعه ورزش همگانی و تفریحی در اسفندماه ۱۳۸۱ توسط سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران نشان داد ۱۰ درصد افراد کشور در ورزش همگانی و تفریحی مشارکت دارند (سازمان تربیت بدنی، ۱۳۸۱). در سال ۱۳۸۶ غفوری میزان مشارکت در ورزش همگانی در ایران را ۱۹ درصد اعلام کرد (غفوری، ۱۳۸۶)، در صورتی که این رقم در مقایسه با سایر کشورها بسیار پایین است. به عنوان مثال، درصد مشارکت در ورزش همگانی در کشورهای فنلاند ۸۱ درصد، هلند ۷۷ درصد، آمریکا برای زنان ۵۷ درصد و برای مردان ۷۲ درصد، کانادا ۳۴ درصد، استرالیا ۵۲ درصد، هنگ کنگ ۴۵ درصد و سنگاپور ۳۸ درصد است (نول، ۲۰۰۲؛ پالم، ۲۰۰۲؛ پیرا، ۲۰۰۲؛ وان، تایکوم و اسپردر، ۲۰۰۸، به نقل از صفاری، ۱۳۹۲). همچنین، نتایج پژوهش های اتقیا (۱۳۸۰)، کاشف (۱۳۷۹) و قره (۱۳۸۴) در مورد ورزش همگانی و تفریحی نشان می دهد که توسعه و تعمیم ورزش علیرغم برنامه ریزی ها، هزینه ها و تلاش های مختلفی که در سال های اخیر صورت گرفته است، به نحو مناسبی گسترش نیافته و دارای کاستی و نقاط ضعف عدیده ای است. از طرفی نتایج پژوهش های مختلف پیرامون گرایش به ورزش همگانی نیز گویای این موضوع است (آذرنیا، ۱۳۸۴؛ عطارزاده حسینی و سهرابی، ۱۳۸۶؛ محمدقلی نیا، ۱۳۸۳). همچنین، نتایج تحقیقات نشان داده اند کسب فواید بی شمار سلامتی ناشی از فعالیت بدنی عادتوار است که در طول زمان استمرار دارد (هانکیسون و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۱۲). با توجه به این مطالب، نگاهی گذرا به تحقیقات انجام شده بر روی ورزش همگانی نشان می دهد این تحقیقات بیشتر به بررسی انگیزاننده مشارکت افراد (به عنوان مثال، نورتون، ۱۹۸۷؛ میت و فلتز، ۲۰۰۱؛ استادلیس و همکاران، ۲۰۰۱؛ لارسون، ۲۰۰۲؛ کلت و همکاران، ۲۰۰۴؛ کاشف، ۱۳۷۵؛ رضانی خلیل آبادی، ۱۳۷۳؛

روز بیانی، ۱۳۸۰؛ رضانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۸) در ورزش همگانی (شروع مشارکت) تمرکز داشته اند و کمتر توجهی به بحث حضور مستمر و فراگیر افراد در ورزش همگانی شده است، در صورتی که ایجاد تغییرات رفتاری در زندگی افراد باید مسئله استمرار تغییرات مثبت را پی گیری و دنبال کنند. از این روست که گودمن و کورک (۱۹۸۲) بیان می کنند متاسفان، بخش های زیادی از ادبیات تغییر بر روی روش ها و تکنیک های تغییر و ارائه و انجام تغییرات تمرکز دارند، اما بر روی حفظ و استمرار تغییر در طول زمان تمرکز ندارند (گودمن، ۱۹۸۳: ۹۳۸). اسکات (۲۰۰۱) نهادینه کردن را فراهم آوردن زمینه ها و شرایطی می داند که موجب ثبات، پایداری و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب می شود. نهادینه شدن، فرایندی است که طی آن اعمال اجتماعی به قدری تداوم و نظم پیدا می کنند که می توان آنها را به عنوان نهاد توصیف کرد (قلی پور، ۱۳۹۰: ۱۳۶). از آنجایی که ورزش همگانی یا به عبارتی گرایش به ورزش های همگانی در زمره رفتارهای مطلوب است و کارکردهای مثبت و گسترده ای در جامعه دارد و برای حفظ نشاط، تندرستی و سلامت جامعه امری لازم، حتمی و اجتناب ناپذیر است، لذا سیستم های مربوط به ورزش همگانی باید طوری تنظیم و استقرار یابند که پرداختن به ورزش های همگانی در بین افراد جامعه نه به عنوان یک پدیده مقطعی، موردی و پراکنده بلکه به عنوان یک پدیده خودجوش در تمام سطوح و ابعاد جامعه و در بین تمام افراد جاری و ساری باشد و به طور فعال و پیوسته پیگیری گردد تا ورزش همگانی در جامعه نهادینه گردد. نهادینه شدن ورزش همگانی از فرد شروع می گردد، ولی هرگز به آن ختم نمی شود و به علت ماهیت اجتماعی آن در بخش های مختلف جامعه و در نهایت در کل جامعه فراگیر می گردد (ویس، ۱۳۸۹: ۱۱۶). یک عمل نهادینه شده به عنوان رفتاری تعریف می گردد که در طول زمان استمرار دارد، بوسیله دو یا تعداد بیشتری از افراد در پاسخ به محرک یکسان اجرا می گردد و به عنوان واقعیت اجتماعی وجود دارد. رفتار به عنوان واقعیت اجتماعی به این معنی است که خارج از وجود هر فردی قرار دارد، بخشی از حقیقت اجتماعی است و وابسته به هیچ فرد خاصی نیست. یک عمل نهادینه شده، رفتاری است که به وسیله چندین نفر در پاسخ به محرک یکسان انجام می شود. پس استمرار یک ویژگی مهم یک عمل نهادینه شده است؛ بدین معنی که این عمل تمایل به اجرا شدن در طول زمان دارد. برای داشتن تغییرات اثربخش ما باید دانش مان را نسبت به فرایند نهادینه کردن ورزش، افزایش دهیم که استمرار یا بقای برنامه های تغییر را دنبال می کند (گودمن، ۱۹۸۳: ۹۳۸). آمار دقیقی در مورد شرکت کنندگان در ورزش های همگانی در دسترس نیست تا بتوان در همین ابتدا بررسی آماری اجمالی انجام داد، اما طبق پژوهش های انجام شده در سال های مختلف توسط نهادهای مختلف، میزان شرکت کنندگان در ورزش های همگانی بیش از ۱۰ درصد جمعیت کشور نبوده است (طرح جامع، شهریور ماه ۱۳۸۰). در تحقیقی با عنوان «تبیین جامعه شناختی نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور» مسئله این است که آیا عوامل اجتماعی (خانواده، رسانه جمعی و آموزش رسمی)

درنهادینه کردن ورزش همگانی در بین شهروندان تهرانی که به صورت روزمره ورزش در زندگی شان وجود دارد، موثر هستند؟

مروری بر مطالعات پیشین

رمضانی خلیل آبادی (۱۳۷۳) در پژوهشی انگیزه افراد شرکت کننده در ورزش همگانی را مورد مطالعه قرار داده است. وی از ۹۷۵ نفر از افراد شرکت کننده در ایستگاه های ورزش همگانی، به وسیله پرسشنامه اطلاعاتی جمع آوری کرده است. نتایج این پژوهش چنین است: نخستین انگیزه، کسب نشاط و احساس لذت بود. پس از آن لمس فواید و آثار مثبت ورزش، فرح بخش بودن و بی خطر بودن ورزش همگانی قرار داشت. کم هزینه بودن، عدم نیاز به وسایل و امکانات ویژه و پرکردن اوقات فراغت نیز جزو انگیزه های شرکت افراد در ورزش همگانی بوده است. شرکت کنندگان در این پژوهش رسانه ها را به میزان ۴۲/۳ درصد در برانگیختگی خود به ورزش مفید دانسته اند. سرانجام عدم توانایی شرکت در ورزش قهرمانی، از علت های مهم گرایش نمونه پژوهش به ورزش همگانی ذکر شده است.

غفوری (۱۳۸۳) به بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به ورزش همگانی و قهرمانی برای تعیین راهبردهای ورزش در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. هدف از این پژوهش، تعیین اثر پنج خرده مقیاس یا عوامل اصلی (رسانه های گروهی، سازمان های ورزشی، تقاضای اجتماعی، سازمان های غیر ورزشی و جهانی سازی و ارتباطات) بر راهبردهای ورزش و گرایش مردم به سمت ورزش همگانی و قهرمانی، بیشتر از دیدگاه مطلعان و کارشناسان است. نمونه پژوهش، اعضای هیئت علمی رشته تربیت بدنی دانشگاه های کشور با مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر بوده اند. نتایج حاصله حاکی از این موضوع است که هر پنج خرده مقیاس، دارای اثر تعیین کننده و معنی داری بر یکدیگر بودند. در این میان، خرده مقیاس های ساختار سازمان های ورزشی و سازمان غیر ورزشی رابطه قوی تری با یکدیگر داشتند. سازمان های ورزشی و ساختار آنها رابطه معنی داری با تقاضای اجتماعی داشتند؛ بدین معنی که ساختار سازمان ها برآیند تقاضای اجتماعی برای ورزش همگانی یا قهرمانی بودند. در مقابل، تقاضای اجتماعی تحت تأثیر سازمان های ورزشی قرار می گیرد. در میان پنج خرده مقیاس رسانه ها، سازمان های ورزشی، تقاضای اجتماعی، سازمان های غیر ورزشی و جهانی سازی، مؤثرترین عامل بر راهبردهای ورزش، ساختار سازمان های ورزشی و کمترین آن ها، سازمان های غیر ورزشی بود.

روشندل (۱۳۸۶) رساله دکتری خود را با عنوان «طراحی و تبیین مدل نهادی کردن برنامه های راهبردی جامعه در افکار عمومی از طریق رسانه های جمعی مورد سند چشم انداز بیست ساله» تدوین نموده است. هدف این رساله، ارائه الگویی رسانه ای به منظور نهادینه کردن برنامه های راهبردی جامعه بوده است. بر اساس الگوی ارائه شده، رسانه های جمعی از طریق اثرگذاری بر چارچوب های شناختی، هنجاری و تنظیمی جامعه واقعیت های اجتماعی را شکل می دهند. وانگهی مهمترین ویژگی یک عمل نهادینه شده نیز

واقعیت اجتماعی شدن آن است؛ بدین منظور باید محتوای رسانه ای از انطباق شناختی، هنجاری و تنظیمی لازم با اهداف و ویژگی های مورد انتظار برنامه ریزان برخوردار باشد. با استفاده از روش دلفی، مهم ترین ویژگی های مورد انتظار یاد شده در مورد برنامه چشم انداز بیست ساله مشخص گردیده و از بین رسانه های جمعی نیز تلویزیون به دلیل فراگیر بودن آن انتخاب شده است. به منظور آزمون مدل، به تحقیقی پیمایشی پرداخته شده که جامعه آماری آن کلیه شهروندان ساکن شهر تهر ان در فاصله سنی ۲۰ الی ۶۴ سال بودند. نتایج تحقیق نشان داده است که برنامه های تلویزیون انطباق محتوایی لازم را با ویژگی های مورد انتظار طراحان چشم انداز ملی از ابعاد شناختی، هنجاری و تنظیمی ندارند. همچنین در جامعه نیز این انطباق فرهنگی از حیث شناختی، هنجاری و تنظیمی وجود ندارد. از سوی دیگر، ویژگی های یاد شده در جامعه نهادینه هم نیستند. به منظور تبیین مدل از روش مدل سازی معادلات ساختاری و از نرم افزار لیزرل استفاده شده است.

اسلامی (۱۳۸۸) در رساله دکتری خود با عنوان «طراحی مدلی برای نهادی کردن تولید علم از طریق رسانه های جمعی در راستای تحقق چشم انداز ۲۰ ساله کشور» بر روی یکی از مؤلفه های برنامه بیست ساله که رسیدن کشور به مقام نخست تولید علم در منطقه می باشد، متمرکز گردیده است. در این راستا، اثر رسانه ملی بر روی نهادینه شدن تولید علم در سطح جامعه مورد سنجش قرار گرفته است، به طوری که ابتدا اثر رسانه ملی بر روی متغیرهایی به نام های هنجار، باور و قانون مورد بررسی قرار گرفته است و تلویزیون که در این تحقیق به عنوان رسانه ملی در نظر گرفته شده می تواند بر روی سه عامل مذکور مؤثر باشد و بنابراین هنجارآفرینی، خلق باور و مشوق هایی را در زمینه قانون گذاری ایجاد نماید. در ادامه بررسی بر این نکته تاکید گردیده که چگونه پس از اینکه هنجارها، باورها و قوانین مربوط به تولید علم به کمک رسانه در سطح جامعه ایجاد گردید، می توانند منجر به نهادینه کردن تولید علم شوند. در این تحقیق از روش همبستگی استفاده شده و برای جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها، از حجم نمونه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه های تهران استفاده گردیده و پاسخ به سؤالات پرسشنامه تدوین شده از سوی آنان مبنای محاسبات و تجزیه و تحلیل داده ها قرار گرفته و فرضیات بر مبنای آن، مورد آزمون واقع شده است.

مرادی (۱۳۸۹) به بررسی نقش خانواده در جامعه پذیری ورزشی پرداخته و بحث خود را روی عواملی متمرکز کرده است که سبب ورود فرد و ادامه فعالیت اش در عرصه ورزش می شود. در مسئله تحقیق بیان کرده که ورزش به عنوان یکی از الگوهای رفتاری از عوامل جامعه پذیری به خصوص خانواده چه تأثیری می پذیرد. روش انجام تحقیق، پیمایشی و نمونه تحقیق ۴۰۰ نفر بوده است که از بین ورزشکاران باشگاه های ورزشی شهرستان اهواز انتخاب شده اند. داده های تحقیق با استفاده از روش پیمایشی جمع آوری و با استفاده از آماره های متناسب در نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج به دست آمده نشان می

دهد که میزان ورزشی بودن خانواده، حمایت خانواده از فعالیت های ورزشی، نگرش خانواده در مورد ورزش و میزان پذیرش ورزش در میان اعضای خانواده بر جامعه پذیری ورزشی افراد تأثیر مستقیم دارد. کریس استیونسون (۱۹۹۹) به بررسی فرایند ورزشکار شدن در انگلستان پرداخت. استیونسون علاقه مند بود بداند چگونه برخی از افراد ورزشکار می شوند؛ به عبارتی، او مایل بود بداند چگونه افراد به صورت مقدماتی وارد دنیای ورزش می شوند و سپس به ورزش سازمان یافته و منظم می پردازند. زمانی که استیونسون کار خود را با ورزشکاران کانادایی و بریتانیایی آغاز کرد، در ابتدا با شرح حال های متنوعی روبه رو شد، اما دریافت بیشتر این ورزشکاران دارای یک نقطه شروع قابل تشخیص، فرایند گسترش و پایان مشابهی بودند. او متوجه شد فرایند ورود و درگیری مقدماتی، نتیجه تصمیم آنی و لحظه ای نیست. رویکرد نظری او کنش متقابل نمادین بود. به زعم او، مشارکت ورزشکاران در ورزش بستگی به فعالیت ها و تلاش های متفکرانه ای داشت که برای گسترش هویت شان به عنوان ورزشکار انجام می دادند- زمانی این اتفاق رخ می داد که دیگران مهم به آن ها احترام می گذاشتند و آن ها را به عنوان ورزشکار مورد شناسایی قرار می دادند. در این مرحله آنها عمیقاً به ورزش و زندگی کردن به عنوان ورزشکار متعهد می شدند. استیونسون دریافت افراد بر مبنای بهره مندی از حمایت های اولیه دیگران مهم، رشته ورزشی ویژه ای را انتخاب می کنند و پس از آن و بر مبنای انگیزه کسب موفقیت و برقراری ارتباط با دیگر ورزشکاران، تعهد خود را به ورزش گسترش می دهند. متغیرهای اصلی در این تحقیق، حمایت های دریافت شده از سوی دیگران مهم برای ورود مقدماتی به ورزش و پس از آن گسترش تعهد به ورزش است. دیگران مهم در تحقیق مزبور شامل خانواده، دوستان و همالان و معلمان ذکر شده اند. استیونسون در پایان تحقیق دریافت که فرایند ورزشکار شدن به طور خودکار اتفاق نمی افتد، جوانان خودشان به وقوع این رویداد کمک می کردند. درگیر شدن و درگیر ماندن در ورزش فرایند پیچیده ای است. جوانان متوجه شدند که نمی توانند بدون دریافت حمایت های اجتماعی در ورزش باقی بمانند و به ورزش بپردازند. آن ها می دانستند که منابع مورد نیاز برای مشارکت در ورزش ممکن است بر اثر تغییر در سایر جنبه های زندگی شان از دست برود و آن ها مجبور شوند چیز دیگری را جایگزین ورزش کنند. استیونسون معتقد است فرایند جامعه پذیری ورزشی، کنش متقابلی است که براساس آن هرکدام از ما فعالانه در جامعه پذیری مان مشارکت می کنیم (به نقل از کوکلی، ۲۰۰۱: ۶۷-۶۳).

لوبانز و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان «عوامل مرتبط با فعالیت بدنی در نمونه ای از دانش آموزان مدارس راهنمایی بریتانیا» به بررسی عوامل جمعیت شناختی (زبان گفتاری در خانه، ترتیبات زندگی، وجود خواهر و برادران/نبود خواهر و برادران)، عوامل اجتماعی (حمایت خانواده، حمایت دوستان و همسالان) و عوامل روانشناختی (موانع فعالیت بدنی، نتایج مورد انتظار) مرتبط با فعالیت بدنی متوسط تا شدید (MVPA) پرداختند. نتایج نشان داد تقریباً یک سوم دانش آموزان (۳۱/۹ درصد) گزارش کردند که حداقل ۵

جلسه در هفته در فعالیت بدنی متوسط تا شدید شرکت می کنند. همچنین دانش آموزان گزارش کردند به طور متوسط ۲/۸ ساعت در روز تلویزیون تماشا می کنند و ۱/۷ ساعت در روز از کامپیوتر استفاده می کنند. در نهایت، نتایج نشان داد موانع درک شده، حمایت دوستان و همسالان و حمایت خانواده پیش بین های معنادار مشارکت در فعالیت بدنی بودند.

هارینز و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «سهم خانه، محله و عوامل محیط مدرسه در توضیح فعالیت بدنی در میان نوجوانان» نشان دادند که مشارکت نوجوانان در فعالیت های بدنی فوق برنامه مدرسه ارتباط مثبتی با وجود فعالیت های سازمان یافته در مدرسه داشت. همچنین نتایج نشان داد که نظارت بر فعالیت ها ارتباط مثبتی با مشارکت در فعالیت های فوق برنامه داشت. از طرفی نتایج نشان داد که راحتی درک شده در اماکن ورزشی با ورزش های زمان فراغت در میان نوجوانان در ارتباط نبود. همچنین نتایج نشان داد که وجود تجهیزات ساکن کننده- مانند کامپیوتر و ...- در محیط خانه با مشارکت در ورزش های زمان فراغت ارتباط منفی داشت. از طرفی وجود تجهیزات فعالیت بدنی در محیط خانه ارتباط مثبتی با مشارکت در ورزش های زمان فراغت نوجوانان داشت. بعلاوه، نتایج نشان داد که دسترسی درک شده به اماکن ورزشی محله با مشارکت در ورزش های زمان فراغت مرتبط نبود.

توکر و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «تاثیر والدین و محیط خانه بر رفتارهای فعالیت بدنی کودکان پیش دبستانی: بررسی کیفی از دیدگاه مراقبان کودک» نشان دادند که مراقبان کودک بر روی نقش والدین/اولیا در ایجاد محیط خانه ای که مکمل پیام های مثبت فعالیت بدنی که کودکان در محیط های مراقبت کودک دریافت می کنند، تاکید دارند. به علاوه، کارکنان محیط های مراقب از کودک بر نیاز به الگوی مثبت بودن والدین و حمایت آنها برای تشویق سبک زندگی فعال در میان کودکانشان تاکید داشتند. نتایج نشان داد که والدین و محیط خانه نقش مهمی در رفتارهای فعالیت بدنی کودکان دارند. همچنین، یافته های این مطالعه نیاز به ارتباط و همکاری مراقب ولی در فراهم نمودن میزان فعالیت بدنی مناسب در میان کودکان را نشان داد.

مورتون و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «سبک های رهبری خانواده و رفتارهای فعالیت بدنی و تغذیه ای نوجوانان در مطالعه مقطعی» نشان دادند که ادارک نوجوانان از رفتارهای والدین و تبادل خانواده با هم و مصرف مواد غذایی سالم و فعالیت بدنی در ارتباط بود. نوجوانانی که خانواده شان را به عنوان والدین تبدالی سطح بالا درک کرده بودند، رفتارهای تغذیه ای و فعالیت بدنی بیشتری نسبت به نوجوانانی که خانواده شان را به عنوان والدین تبدالی سطح پایین درک کرده بودند، انجام می دادند. نوجوانانی که والدین شان را به عنوان والدین تبدالی ناپایدار (سطح رفتارهای والدین تبدالی بالا و پایین) درک کرده بودند، سطوح مشابه ای از رفتارهای تغذیه سالم نسبت به کودکان گروه پایین نشان دادند. از بعد فعالیت بدنی این گروه با کودکان گروه بالا و پایین تفاوتی نداشتند. رفتارهای والدین تبدالی در خانواده ارتباط مثبتی با هم مصرف

مواد غذایی سالم و هم سطوح فعالیت بدنی زمان اوقات فراغت در میان نوجوانان داشت. یافته های تحقیق نشان می دهد که تئوری رهبری تبدیلی چارچوب مفیدی برای درک ارتباط بین رفتارهای رهبری خانواده و پیامدهای سلامتی نوجوانان است.

نتایج تحقیقات پیشین در داخل و خارج، حاکی از این واقعیت است که پاسخ سوالات پژوهش حاضر در زمینه نهادینه کردن ورزش همگانی را نمی توان با اتکا به تحقیقات انجام شده در این زمینه فراهم نمود. لذا نیاز به انجام این پژوهش در جهت تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر نهادینه کردن ورزش همگانی ضروری است.

مبانی نظری پژوهش

نظریه تالکوت پارسونز

رویکرد کارکردگرایی، ورزش را به عنوان یک نهاد اجتماعی مورد توجه قرار می دهد و ارتباط و پیوستگی آن را با جامعه بررسی می کند. نسل اول کارکردگرایان، ورزش را بازتاب جامعه تلقی می کنند، ولی نسل دوم آن ها اگرچه از تز ورزش به عنوان آیین جامعه دست کشیدند، در عین حال اهمیت ورزش به عنوان حوزه نهادی زندگی روزمره همچنان اهمیت خود را در تحلیل های آنان حفظ کرده است. تحلیل های روشن کارکردگرایان از ورزش در جامعه همچنان در نوشته های هری ادواردز، کلینی هینلیا، گونتر لوشن و ... دیده می شود. در میان این جامعه شناسان، لوشن جامعه شناس آلمانی که مدت زمان طولانی ساکن آمریکا بود، مؤثرترین فرد در پروراندن چارچوب نظریه کارکردگرایی در جامعه شناسی ورزش بود. اولین نوشته عمده ای که لوشن در چشم اندازی پارسونزی از جامعه شناسی ورزش ارائه داد (وابستگی های متقابل ورزش و فرهنگ) در سال ۱۹۶۷ منتشر شد. در این مقاله، لوشن ورزش را به عنوان یک نظام کنش در نظر گرفت. کارکردها و پویایی های ورزش در فرهنگ و جامعه را مورد بحث قرار داد و تحلیلی از نسبت ورزش و تحول فرهنگی ارائه نمود. طبق نظر لوشن در فرهنگ های اولیه کارکرد ورزش اغلب حول مذهب، جمع محور و برای تربیت و فراگیری مهارت های مرتبط با بزرگسالی و آمادگی جنگی بود، در حالی که کارکردهای ورزش مدرن ممکن است به طور ویژه برای حفظ الگو و برقراری همبستگی اجتماعی در نظر گرفته شوند. ۱۵ سال بعد، لوشن یک تجزیه و تحلیل ساختاری از ورزش مبتنی بر نظام های داخلی و خارجی ورزش ارائه داد. او بر تحلیل مفهوم سازی های ساختار نظام ورزش به عنوان الگوی ساختاری بنیادی انسان و هستی اجتماعی تأکید کرد - اخیراً نیز لوشن مدعی نوعی ساختارگرایی به عنوان برنامه ای برای تحلیل ورزش در جامعه شده است. جامعه پذیری از دیدگاه کارکردگرایان، همان کنترل درونی است که براساس آن، ارزش ها، هنجارها و ایستارهای اجتماعی در یک نظام اجتماعی، ملکه ذهن کنش گران می گردند. از نظر تالکوت پارسونز - به عنوان مهم ترین نظریه پرداز کارکردگرا - جامعه پذیری فعالیت است که براساس آن نظام فرهنگی در نظام شخصیتی درونی می شود. نظام شخصیتی در تئوری پارسونز از طریق

جامعه پذیری به ابزاری تبدیل می شود که نظام اصلی از طریق آن به اهداف خود دست می یابد (کرایب، ۱۳۷۸: ۶۰) در نظریه پارسونز، جامعه پذیری را می توان نوعی مشروط سازی در نظر گرفت. فرد همچون موجودی وابسته به نظر می رسد که رفتار او چیزی جز تکرار الگوهای مکتسب در دوران کودکی نیست. در واقع پارسونز، اجتماعی شدن را تا حدودی همانند گونه ای تربیت در نظر می گرفت. (کوش، ۱۳۹۲: ۸۳) دیدگاه مسلط کارکردگرایی تا پایان دهه ۱۹۷۰ مبتنی بر مدل کنش گر انسانی به عنوان لوح سفیدی بود که جامعه پیام هایش را بر روی آن حک می کند. فرض بر این بود که انسان ها موجوداتی منفعل اند که باید همچون تنگ آبی که پر می شود، به آن ها نگریده شود. در این مدل، شیوه های یادگیری نقش های ورزشی در جریان دریافت تشویق و تقویت های ناشی از رابطه با دیگران مهم در خانواده و همالان مورد توجه قرار می گیرد. تحقیقات مبتنی بر مدل کارکردگرایی منجر به دو نتیجه می شوند: ۱. مشارکت در فعالیت های ورزشی ارتباط ویژه ای با دریافت حمایت از جانب دیگران مهم دارد. ۲. نفوذ نسبی دیگران مهم و نیز میزان و نوع تشویق دریافت شده در نظام های اجتماعی، برای مشارکت یا عدم مشارکت در ورزش بر حسب جنسیت، طبقه، نژاد، سن و فرهنگ متفاوت است. (هورن، ۲۰۰۰: ۱۳۸). از نظر کارکردگرایان، مهم ترین نقش ورزش در جامعه، کمک به سلامت و بقای افراد، جامعه پذیری، قوانین، همبستگی گروهی و تمامی مواردی است که به حفظ نظام و وضع موجود می انجامد. بنابراین از دیدگاه کارکردگرایان، ورزش به دلیل منافی که برای جامعه دارد برای زندگی اجتماعی و فردی انسان ها عنصری ضروری محسوب می شود. مطالعات کارکردگرایان در حوزه جامعه شناسی ورزش را می توان به چهار بخش تقسیم کرد:

- ۱- رابطه میان مشارکت ورزشی و جامعه پذیری: یادگیری ارزش ها و قواعد و هنجارهای جامعه که در طول دوران رشد فرد انجام می پذیرد، ارتباط مستقیمی با تجربیات فردی و اجتماعی دارد. مشارکت ورزشی شیوه مناسب نظم و ثبات اجتماعی را در شخصیت فرد درونی کرده، وی را مطابق هنجارهای جامعه می سازد.
- ۲- رابطه میان ورزش و وحدت گروهی: مشارکت ورزشی می تواند یکپارچگی در گروه ها، اجتماعات و جوامع را امکان پذیر سازد.
- ۳- رابطه میان ورزش و انگیزه پیشرفت: کسب انگیزش و تاثیر ورزش در آن و اهمیت کار و تلاش بی وقفه جهت نیل به پیروزی در این دسته مطالعات قابل بررسی است.
- ۴- رابطه میان ورزش و توانایی های مورد نیاز جهت دفاع از تهدیدات خارجی: ورزش می تواند به رزم آوری سنتی و کهن پرداخته، روحیه وطن خواهی و حمایت از کشور را در برابر حملات بیگانگان تضمین نماید. (کوکلی، ۱۹۹۸: ۳۳ به نقل از غلامی، ۱۳۸۴).

نظریه آنتونی گیدنز

در تئوری گیدنز و نظریه کارکردی، خانواده، مدرسه و دانشگاه نیز عواملی هستند که می توانند نقش هنجاری و شناختی در فراگیری و عینیت دادن به نهادینه کردن ورزش همگانی ایفا کنند. مدرسه نقش مهمی در پیشبرد و پالایش مهارت های از قبل یاد گرفته شده افراد بازی می کند. جنبه دیگر نقش مدرسه به عنوان عاملی در عادت دادن افراد به ورزش و فضای آن برای انجام شکل های گوناگون ورزش است. در کل اگرچه مدارس به عنوان آغازگر کارهای ورزشی افراد اعتبار زیادی ندارد، اما با این وجود نقش مهمی در ترغیب و گسترش الگوهای اولیه جذب افراد به ورزش از طریق برنامه های ورزشی درون مدرسه بازی می کند. مشخصه تربیتی و ورزشی بر حسب اختلاف مراحل و سطوح آموزشی تفاوت می یابد. از این رو، طبیعی است که سهم و تاثیر تربیتی ورزش در مدرسه با سهم و تاثیر تربیتی آن در دانشگاه و آموزشگاه های عالی فرق کند. در دانشگاه ها، مسابقات ورزشی به صورت یک امر عادی که دانشجویان و اعضای هیئت آموزشی و مدیران، به دلایل فراوانی از جمله بهره برداری از اوقات فراغت دانشجویان در جهت سلامت و آمادگی جسمانی آنان، بدان می پردازند و از آن حمایت و پشتیبانی می کنند؛ چنان که امروزه پیروزی های ورزشی در دانشگاه به عنوان پیروزی نظام آموزشی و اداری که جامعه را هدایت می کند تفسیر می شود تا جایی که مدیران و مربیان ورزشی از شخصیت های موثر در تصمیم گیری های محیط دانشجویی در دانشگاه شده اند. هر جامعه ای باید شیوه هایی برای اجتماعی کردن افراد و یگانگی بوجود آورد. بنابراین همیشه نهادهایی وجود خواهند داشت که این کار را انجام دهند. نهادهای اجتماعی از کودکی در کار اجتماعی کردن افراد درگیر هستند و در طول زندگی نیز با شدت و ضعف این کار را ادامه می دهند. استمرار در کار جامعه پذیری سبب گردیده جوامع نهادهایی را برای انجام این مهم در نظر بگیرند؛ نهادهایی مانند خانواده، مدرسه و آموزش. بررسی های جامعه شناختی ای که حول محور عاملان جامعه پذیری صورت گرفته در تقسیم بندی های خود این نهادها را به دو دسته نهادهای رسمی و غیر رسمی تقسیم کرده اند؛ مدرسه یک عامل رسمی جامعه پذیری است، خانواده، همسالان و همسایگان از جمله بسترهایی هستند که جامعه پذیری در آنها به صورت غیر رسمی تحقق می یابد. نهادهایی چون خانواده و مدرسه در فرایند جامعه پذیری از نوعی موقعیت بالا دست برخوردار هستند؛ به عبارت دیگر، این نهادها از نوعی اقتدار برخوردار هستند که می توانند آن را در جریان جامعه پذیری اعمال کنند، اما همسالان، رسانه ها و... در موقعیتی همسان با فرد جامعه پذیر شونده قرار دارند. بنابراین می توان در بررسی های مربوط به جامعه پذیری و تقسیم بندی هایی که پیرامون موضوع عوامل جامعه پذیری صورت می گیرد به آن توجه نمود. لازم به ذکر است که جامعه پذیری یک فرایند است و در این فرایند برخی از عوامل در سنین ابتدایی زندگی فرد و برخی در مراحل بعدی اهمیت دارند، بدین معنی که میزان تأثیرگذاری آنها در طی زمان متفاوت است. بنابراین در بررسی های مربوط به عوامل جامعه پذیری، برجسته بودن یک یا چند عامل به

منزله کنار گذاشتن سایر عوامل نیست، بلکه در دوره ها و شرایط مختلف هر کدام از این عوامل برجستگی های خاص خود را دارا هستند. در فرایند کلی جامعه پذیری، نهادها و عوامل مختلفی نقش دارند که در میان آنها خانواده به دلیل اهمیت و جایگاهی که در طول دوره زندگی فرد دارد حائز اهمیت بیشتری است. خانواده اولین نهادی است که شخصیت فرد در آن شکل می گیرد. به لحاظ گستره و عمق نفوذی که خانواده می تواند بر فرد داشته باشد نیز از جایگاه مهمی برخوردار است. کودک در درون خانواده و در جریان تعامل با سایر اعضا با نقش ها، هنجارها و ارزش های جامعه آشنا می شود. بنابراین خانواده می تواند به عنوان مهم ترین پایگاه شکل گیری شخصیت افراد تلقی گردد. جامعه پذیری در خانواده در مقایسه با سایر نهادهای جامعه پذیری به صورت برنامه ریزی شده صورت نمی گیرد. کودکان در خانواده و ضمن کنش متقابل با اعضا، هنجارها و ارزش ها را به شیوه های مختلف فرا می گیرند، در حالی که جامعه پذیری از طریق نهادهای رسمی مانند مدرسه طراحی شده و هدفمند است - البته این به معنی بی برنامه بودن و اتفاقی بودن این فرایند در خانواده نیست، بلکه به لحاظ گستره و طول دوره و نیز روابط صمیمی بین اعضای خانواده، فرایند جامعه پذیری با انعطاف و حوصله بیشتری محقق می شود. دو عامل اصلی که به نظر می آید بیشترین تأثیر را در مشارکت در ورزش داشته باشند، عبارت اند از: وجود الگوهای رفتاری مؤثر در ورزش (یعنی والدین) و تشویق های مربوط به ورزش که در انتظارات والدین و تشویق ها و حمایت های آنان تجلی می یابد.

بودریلارد معتقد است که وسایل ارتباط جمعی از طریق معناهایی که در زندگی روزمره رواج می دهند، ساخت واقعیت اجتماعی را به شدت متأثر می سازن. سبک زندگی رسانه ای شده امروزین با تولید تصاویر و مدل هایی از واقعیت که به طور روزافزونی جای خود واقعیت را می گیرند، به تجربه بشری شکل می دهند. این رسانه ها فقط مدل هایی از واقعیت را منعکس می کنند و از این طریق اقدام به ذهنیت سازی برای ما می کنند. رسانه های جمعی یکی از نهادهای مؤثر بر فرهنگ هستند. از این رو، رسانه های ورزشی و یا ورزش در رسانه ها تأثیر عمده بر باورها، ارزش ها و هنجارها و کارکردهای ورزشی افراد و گروه های جامعه دارند به ویژه اینکه رواج ورزش امروزین عمدتاً متأثر از پیدایی تلویزیون و همگانی شدن استفاده از آن است. البته رسانه های دیگر نیز در عرصه ورزش مؤثرند، از آن جمله می توان به شبکه های ورزش اینترنتی، فیلم ها، مجلات و روزنامه ها اشاره کرد (هانی براون، ۲۰۰۰).

نظریه ژان بودریلارد^۱

بودریلارد به نقش رسانه ها به ویژه تلویزیون در ارائه ورزش غیر واقعی اشاره می کند. تلویزیون این قدرت را دارد تا برخی واقعیت های مسابقات ورزشی را درشت نمایی کند و از برخی دیگر چشم پوشی نماید. لحظات کلیدی بازی از چندین زاویه با تکرار بیش از دو تا سه بار موجب جذب هر چه بیشتر تماشاچی

^۱ Baudrillard, J. (۱۹۹۰)

می شود. از نظر وی، ورزش با شیوه هایی متظاهر و اغوا کننده همراه است و به طور کلی رسانه ها به ویژه تلویزیون عامل بسیار موثری در ترویج ورزش و جلب نظر بینندگان نسبت به رویدادهای ورزشی هستند. (قدیمی، ۱۳۹۳: ۸۹). علی‌رغم این که در گذشته بدن به عنوان موضوعی فروگذاری شده و بی‌اهمیت تلقی می شد و ارزش محسوب نمی گردید، امروزه به دلیل اهمیت سلامتی، اخلاق جدیدی در خصوص آن ایجاد شده و می توان گفت حفظ سلامتی موجب گردیده است بدن در جامعه مدرن خود به صورت ارزش دیده شود تا جایی که امروزه جسم همان طور که زمانی روح چنین وضعیتی داشت، به تکیه گاه ممتاز عینیت یافتگی تبدیل شده است (بودریلارد، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

نظریه برگر و لاکمن

نهادینه کردن یک ارزش، فکر یا رفتار در اولین گام تغییر در الگوهای موجود، نگرش ها، ارزش ها و رفتارها را ایجاد می کند. برای تغییر الگوهای فکری، نگرشی و رفتاری فرد شاید بهترین و مقبول ترین مدل در بین نویسندگان و محققان روانشناسی و سازمان مدل معروف کرت لوین است که فرایند تغییر را در سه مرحله ذوب کردن، تغییر دادن و انجماد مجدد می داند. همین مدل را برگر و لاکمن (۱۹۶۷) به شکل دیگر و در مفاهیم نهادینه کردن به شکل زیر بیان کرده اند که نهادینه کردن را شامل سه فاز می دانند: درونی کردن، عینیت سازی، برونی کردن.

برونی کردن^۱: هر عملی که از انسان سر می زند دارای مایه عینی یا خارجی و ذهنی یا داخلی است. مایه های ذهنی در درون انسان قرار دارند. هر نوع اسم گذاری، معنی کردن، تعبیر و تفسیر نمودن، انگیزه و ... را که انسان به اشیا، مقوله ها و اعمال دیگران نسبت می دهد، همان قسمت ذهنی است و این قسمت به علت قرار گرفتن در درون انسان واقعی است. اینها عینی و عمومی بوده و ادراک و فهم مشترکی را در افراد برای شناخت آنها ایجاد می کند. بنابراین، درونی کردن عبارت از عمل آگاهانه ارسال و صادر کردن جنبه های ذهنی یک ایده یا عمل فردی به خارج از خود است. به عبارت دیگر، هر قدر یک فرد از برداشت ها، تعبیر و تفاسیر فردی و خصوصی خود درباره یک شیء و یا یک عمل بکاهد و برداشت ها و معانی مشترک را جایگزین آنها نماید، آن عمل یا شیء را برونی می کند. در روابط متقابل بین افراد، برونی کردن به معنی خارج شدن از مقاصد و تعبیر فردی و خصوصی و پذیرفتن و گردن نهادن به مقاصد، تعبیر و معانی مشترک است؛ به طوری که این نرم های رفتاری مشترک در چارچوب گروه یا جمع، درونی و نسبت به تک تک اعضا آن گروه یا جمع، بیرونی است. نکته ظریفی که باید به آن توجه داشت این است که با بیرونی کردن و خارج نمودن یک عمل یا رفتار، مایه های ذهنی در کسی که عمل بیرونی کردن را انجام می دهد از بین نرفته و از ذهن او کنده و جدا نمی شود، بلکه مایه های ذهنی او با مایه های ذهنی دیگران بر روی هم منعکس می

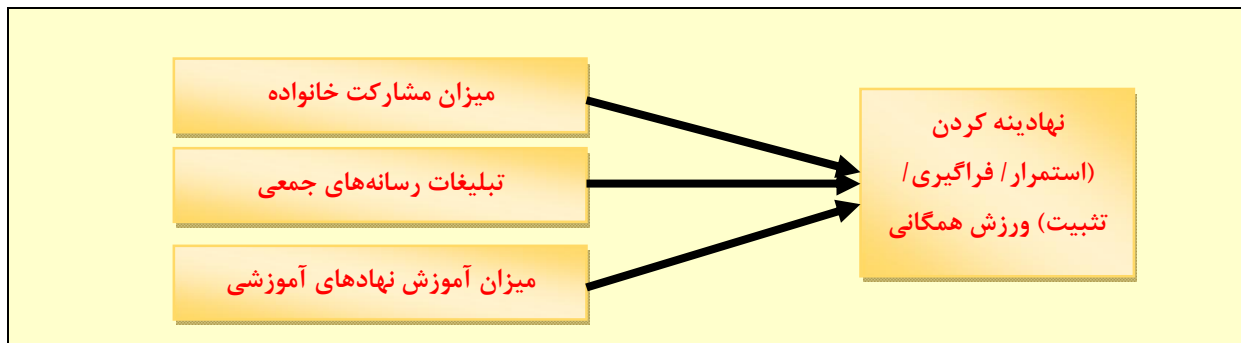
^۱ Externalization

شود و بعد از جرح، تعدیل و توافق به صورت یک برداشت مشترک مورد پذیرش جمع یا گروه قرار می گیرد و بالفعل می شود.

عینی سازی^۱: شاید مهمترین و مشکل ترین مرحله نهادینه شدن، عینیت بخشیدن و ایجاد نظم و ساختار در ایده های فردی برونی شده و تبدیل آنها به انواع قواعد، مقررات، نرم ها و قوانین علمی و شناختی است. فرایند عینیت بخشیدن و خلق واقعیت و نظم اجتماعی همواره در نظام روابط اجتماعی یا روابط متقابل مستمر و جاری در میان افراد به وقوع می پیوندد. در روابط متقابل بین افراد گروه ها، پاسخ یا کنش هر فرد در رابطه متقابل با افراد دیگر صرفاً یک بازتاب ساده مکانیکی به یک محرک (S-R) مقابل کنش و محرک دیگران با محیط پاسخ پیچیده مناسبی است که پس از تعبیر و تفسیر و ارزش گذاری محرکات، آن را انتخاب و ارائه می کند. بنابراین همین ادراک، تعبیر و تفسیر و معنی کردن محرکات ماهیتاً یک فرایند زنده و پیچیده ارگانیکی است که چنین فرایندی در انسان بدون عنصر و عامل اجتماعی ممکن نیست. اصولاً همانطور که ماکس وبر معتقد بود فهم یک رویداد اجتماعی بدون درک معانی، تعبیر، تفاسیر و ارزش هایی که افراد به آن رویداد می دهند، ممکن نیست. پس عنصر اجتماعی و سازمانی، کلید فهمیدن و درک چگونگی عینیت، نظم و ساختار بخشیدن به رویدادهای انسانی و سازمانی است.

درونی کردن^۲: پس از اینکه یک ایده یا فکر توسط فرد یا افرادی برونی شد و سپس در فرایند عینیت بخشی در روابط متقابل بین افراد، گروه ها و سازمان نظم و ساختار پیدا کرد، مرحله نهایی تثبیت و گسترش آن در سرتاسر سازمان فرا می رسد. شاید ساده ترین معنی و روش نهادینه کردن در مرحله درونی کردن مجدد یا تثبیت و گسترش یادگیری اجتماعی باشد؛ بدین معنی که ساختارهای عینی شده در شکل قواعد، مقررات، علائم و رفتارهای عینی شده در شکل هنجارها، الگوهای ارزشی مشترک و ... در الگوهای رفتاری متقابل بین افراد آنقدر تکرار می یابد تا در چرخه رفتاری افراد تثبیت شده و ساختارهای جدید و مناسب خود را پیدا کنند. تمام این فرایند را درونی کردن گویند. (سلطانی تیرانی، ۳۲: ۱۳۷۵-۲۹).

^۱ Objectification
^۲ Internalization



فرضیه های پژوهش

۱. بین میزان مشارکت خانواده و نهادینه کردن ورزش همگانی رابطه وجود دارد.
۲. بین تبلیغات رسانه‌های جمعی و نهادینه کردن ورزش همگانی رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان آموزش نهادهای آموزشی و نهادینه کردن ورزش همگانی رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش این تحقیق پیمایشی است. داده های آن با استفاده از پرسشنامه گرد آوری شده است. جامعه آماری این پژوهش، شهروندان شهر تهران بودند که در پارک های مناطق شمال، غرب، شرق و جنوب به ورزش همگانی مشغول بودند. حجم نهایی نمونه پژوهش حاضر با استفاده از فرمول کوکران ۴۸۰ شهروند تهرانی به دست آمد و برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شد که در ۴ منطقه شمال (پارک نیاوران و ملت)، غرب (پارک گفتگو و نهج البلاغه)، شرق (پارک فدک و بسیج) و جنوب (پارک بعثت و ولایت) مورد پرسش قرار گرفتند.

اعتبار و پایایی ابزار اندازه گیری

برای سنجش اعتبار ابزار اندازه گیری پرسشنامه، پرسشنامه مقدماتی تهیه شد و با مشورت و استفاده از نظرات اساتید و صاحب نظران اعتبار صوری آن بدست آمد. در ضمن با استفاده از تحلیل عاملی، اعتبار سازه ابزار محاسبه شد. وجود چنین اعتباری حاکی از آن است که بین تعریف مفهومی و تعریف عملیاتی سازه ها و مفاهیم انطباق وجود دارد. در این مطالعه در صورت امکان از روش تحلیل عاملی هم اکتشافی و تاییدی به صورت همزمان برای اعتبار یابی ابزار استفاده شد. برای سنجش پایایی ابزار اندازه گیری (پرسشنامه) نیز از تکمیل ۳۰ پرسشنامه به عنوان پیش آزمون (پری تست) از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین ترتیب، گویه هایی که همبستگی کم تری با هم داشتند، اصلاح و یا گویه های متناسب دیگری جایگزین آن

ها شد. در نتیجه از این طریق در مجموع ضریب پایایی کل ابزار و نیز شاخص های آن به دست آمد. نتایج آلفای کرونباخ برای مقیاس های اصلی بالاتر از ۷۰ محاسبه گردید که دلالت بر پایایی و همسازی بالای ابزار و به عبارتی گویه های هم مقیاس دارد. نتایج حاصل از ضریب آلفای کرونباخ هر یک از شاخص های تحقیق به شرح جدول زیر است:

مقیاس	آلفای کرونباخ
نهادینه کردن	۰/۷۴
حمایت و همراهی خانواده	۰/۸۵
نهادهای آموزشی	۰/۸۴
رسانه	۰/۷۹

همانطور که در جدول فوق مشخص است، میزان آلفای کرونباخ به دست آمده برای شاخص های تحقیق بزرگتر از ۰/۷۰ می باشند و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی مطلوب بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر است. بدین ترتیب می توان گفت که تحقیق انجام شده از قابلیت اعتماد و پایایی لازم برخوردار است.

برای سنجش متغیرهای مستقل و وابسته به صورت زیر عمل شد:

- نهادینه کردن رفتار (ورزش همگانی)

نهادینه کردن عبارت است از فراهم آوردن زمینه ها و شرایطی که موجب ثبات، پایداری و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب شود (اسکات، ۲۰۰۱). در این تحقیق نهادینه کردن ورزش همگانی عبارت است از ایجاد زمینه و شرایطی که باعث استمرار، فراگیری و واقعیت اجتماعی شدن ورزش همگانی در جامعه گردد. استمرار: به تداوم و پایداری عمل در طول زمان اشاره دارد. (گودمن، ۱۹۸۳) در این تحقیق استمرار ورزش همگانی به معنی حضور مستمر فرد در ورزش همگانی به عنوان یک فعالیت بدنی ارتقا دهنده سلامتی است. فراگیری: به انجام عمل توسط دو یا تعدادی بیشتر از افراد در پاسخ به محرک یکسان اشاره دارد. (گودمن، ۱۹۸۳) در این تحقیق فراگیری ورزش همگانی به انجام ورزش های همگانی توسط عده زیادی از افراد جامعه اشاره دارد.

تثبیت رفتار: به عنوان واقعیت اجتماعی به این معنی می باشد که رفتار خارج از وجود هر فردی قرار دارد. بخشی از حقیقت اجتماعی است و وابسته به هیچ فرد خاصی نمی باشد (گودمن و همکاران، ۱۹۸۰). در این تحقیق، واقعیت اجتماعی شدن ورزش همگانی یعنی ایجاد درک و دانش مشترک از ورزش همگانی توسط همه افراد جامعه است. برای سنجش نهادینه کردن (متغیر وابسته) از سه بعد فراگیری، استمرار و تثبیت استفاده شده است. نحوه سنجش متغیر نهادینه کردن ورزش همگانی استمرار (در برنامه های ورزشی به طور منظم شرکت می کنم، به طور منظم به باشگاه های ورزشی می روم، طور منظم در زندگی روزمره ورزش

می‌کنم) فراگیری (تا چه حد مردم اهل ورزش کردن هستند، تا چه حد به پیاده روی خانوادگی اهمیت می‌دهید، تا چه حد دوست دارید که با گروه دوستان در جامعه به ورزش بپردازید) تثبیت (آیا در زندگی روزمره شما ورزش همگانی همیشه است، در هر شرایطی که باشم تلاش می‌کنم در روز ورزش کنم، ورزش کردن جزو کارهای روزمره من شده، تلاش می‌کنم هفته ای ۳ بار ورزش کنم حتی اگر مشکل داشته باشم).

- میزان مشارکت خانواده

خانواده، واحدی اجتماعی است با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه شناختی. خانواده نمادی اجتماعی است، چون همانند آینه ای عناصر اصلی جامعه را در خود دارد و انعکاسی از نابسامانی های اجتماعی است. گذشته از این، خانواده از اهم عوامل مؤثر بر جامعه است هرگز هیچ جامعه ای نمی‌تواند به سلامت برسد مگر آنکه از خانواده هایی سالم برخوردار باشد. (سارو خانی؛ ۱۳۹۳: ۱۳۶). خانواده به تاثیر اعضای خانواده اعم از پدر و مادر و خواهران و برادران بر مشارکت مستمر فرد و عادت دادن وی به ورزش همگانی به عنوان یک فعالیت بدنی ارتقا دهنده سلامتی اشاره دارد. متغیر مستقل خانواده دارای ۳ معرف حمایت و همراهی خانواده، تحصیلات والدین و تجربه ورزشی اعضای خانواده می‌باشد که هر معرف خود دارای معرف های درجه اول است.

نحوه سنجش متغیر میزان مشارکت خانواده (خانواده ام مرا در فعالیت ورزشی حمایت می‌کنند، از دانش والدینم در زمینه ورزش استفاده می‌کنم، با اعضای خانواده ام به ورزش می‌روم) تجربه ورزشی اعضای خانواده (کدام یک از اعضای خانواده تان به صورت حرفه ای ورزش می‌کنند، از تجربه ورزشی اعضای خانواده استفاده می‌کنم) و تحصیلات والدین (تحصیلات پدر، تحصیلات مادر).

- تبلیغات رسانه‌های جمعی

رسانه های جمعی در شکل دهی و فراگرد ساخت اجتماعی واقعیت، نقش برجسته ای دارند. وسایل ارتباط جمعی، تمامی عرصه های فردی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهند و نقش تعیین کننده و معناداری در شکل گیری باورها، ایستارها و نگرش های اعضای جامعه دارند و منبع مهمی برای تبلیغ و ترویج ارزش ها به شمار می‌روند. (فرهنگی، ۱۳۸۴: ۲۲) در این مقاله، رسانه های جمعی به تاثیر تلویزیون و رادیو بر مشارکت مستمر فرد و عادت دادن وی به ورزش همگانی به عنوان یک فعالیت بدنی ارتقا دهنده سلامتی اشاره دارد. متغیر مستقل رسانه دارای ۲ معرف تبلیغات صحیح رسانه ها و آگاهی دادن علمی می‌باشد که هر معرف خود دارای معرف های درجه اول می‌باشد.

نحوه سنجش متغیر تبلیغات و آگاهی دادن رسانه‌های جمعی: تبلیغات (تبلیغات ورزشی تلویزیون توانسته نظرم را جلب کند، تبلیغات تلویزیون در گرایش من به ورزش مهم بوده است، شنیدن برنامه ورزشی رادیو توانسته نظرم را جلب کند، تبلیغات ورزشی رادیو توانسته است مرا به ورزش کردن سوق دهد). آگاهی

دادن (برنامه های تبلیغی ورزشی رادیو مشوق خوبی است، برنامه های ورزشی تلویزیون مشوق خوبی برای من بوده، برنامه های علمی ورزشی تلویزیون در گرایش من به ورزش مهم بوده است، بیشتر اطلاعات ورزشی خود را از تلویزیون کسب می کنم).

- میزان آموزش نهادهای آموزشی

در این مقاله، آموزش به تاثیر کلیه اقدامات صورت گرفته برای آموزش ورزش همگانی از طریق مدرسه، دانشگاه و مهد کودک بر مشارکت مستمر فرد در ورزش همگانی و فراگیر شدن آن به عنوان یک فعالیت بدنی ارتقا دهنده سلامتی اشاره دارد. متغیر مستقل نهادهای آموزشی دارای ۳ معرف مدارس، دانشگاه و مهد کودک می باشد که هر معرف خود دارای معرف های درجه اول می باشد.

نحوه سنجش متغیر میزان آموزش نهادهای آموزشی: مدارس (در مدارس ساعاتی که به ورزش اختصاص دارد کافی است، تعداد معلمان متخصص ورزشی در مدرسه به اندازه کافی وجود دارد، تاثیر معلمان ورزش در گرایش من به ورزش مهم بوده است، کتاب درسی ورزشی در مدرسه به چه میزان استفاده می شود، معلم ورزش در مدرسه چقدر بر کار بچه ها در زنگ ورزش نظارت دارد، مدرسه شما در پرداختن شما به ورزش همگانی نقش داشت؛ دانشگاه (در دانشگاه ساعاتی که به ورزش اختصاص دارد کافی است، دانشگاه ها به چه میزان در ورزش همگانی فعالیت دارند، کتاب درسی ورزشی در دانشگاه ها به چه میزان استفاده می شود، دانشگاه شما در پرداختن شما به ورزش همگانی نقش داشته؛ مهدکودک (ساعات پرداختن ورزش در مهدکودک ها در هفته کافی است، چقدر در مهد کودک ها به ورزش اهمیت می دهند، میزان معلمان متخصص در مهدکودک ها به اندازه کافی وجود دارد، میزان معلمان متخصص در مهدکودک ها به اندازه کافی وجود دارد، به چه میزان مهدکودک ها در پرداختن به ورزش همگانی نقش دارند).

یافته های پژوهش

یافته های مربوط به آمار توصیفی پژوهش

سن پاسخگویان

۳۱/۹ درصد پاسخگویان در رده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال هستند. ۲۹/۲ درصد در دامنه سنی ۳۱ الی ۴۳ سال قرار دارند و ۲۴/۲ درصد ۴۴ سال الی ۵۶ سال و ۱۴/۸ درصد بالای ۵۷ سال می باشند.

جنسیت پاسخگویان

۴۶/۷ درصد پاسخگویان زن و ۵۳/۳ درصد آنها مرد می باشند.

سابقه ورزشی پاسخگویان

۴۷/۹ درصد پاسخگویان دارای سابقه ورزشی می باشند و ۵۲/۱ درصد سابقه ورزشی نداشته اند.

نوع فعالیت ورزشی

۴۶/۱ درصد پاسخگویانی که سابقه ورزشی داشته اند در ورزش گروهی فعالیت دارند و ۵۳/۹ درصد آنها به صورت انفرادی ورزش می کنند.

یافته‌های مربوط به آمار استنباطی پژوهش

فرضیه اول: بین میزان مشارکت خانواده و نهادینه کردن ورزش همگانی رابطه وجود داشته باشد.

با توجه به اینکه دو متغیر نهادینه کردن ورزش همگانی و نقش خانواده هر دو در سطح فاصله ای می باشند، در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۹ درصد، سطح معناداری آن برابر است با $Sig=0/000$. به عبارت دیگر، همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد و میزان شدت رابطه بین دو متغیر $r=0/262$ مثبت بیانگر رابطه متوسط می باشد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود، فرضیه تحقیق تایید و فرضیه صفر رد می شود. بنابراین بین نقش خانواده و نهادینه کردن ورزش همگانی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین تبلیغات رسانه‌های جمعی و نهادینه کردن ورزش همگانی رابطه وجود داشته باشد.

با توجه به اینکه دو متغیر رسانه عمومی و نهادینه کردن ورزش همگانی هر دو در سطح فاصله ای می باشند، در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری آن برابر است با $Sig=0/516$. به عبارت دیگر، همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود، فرضیه تحقیق رد و فرضیه صفر تایید می شود. بنابراین بین رسانه عمومی و نهادینه کردن ورزش همگانی در جامعه رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین میزان آموزش نهادهای آموزشی و نهادینه کردن ورزش همگانی رابطه وجود داشته باشد.

با توجه به اینکه دو متغیر نقش آموزش رسمی و نهادینه کردن ورزش همگانی هر دو در سطح فاصله ای می باشند، در نتیجه برای آزمون همبستگی بین دو متغیر از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری آن برابر است با $Sig=0/195$. به عبارت دیگر، همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود، فرضیه تحقیق رد و فرضیه صفر تایید می شود. بنابراین بین نقش آموزش رسمی و نهادینه کردن ورزش همگانی در جامعه رابطه معناداری وجود ندارد.

آموزش نهادهای آموزشی		تبلیغات رسانه‌های جمعی		میزان مشارکت خانواده		آزمون فرضیه‌های دومتغیره
ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	
ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری	

۰/۱۹۵	۰/۰۶۳	۰/۳۱۵	۰/۰۵۷	۰/۰۰۰	۰/۲۶۲	نهادینه کردن ورزش همگانی
-------	-------	-------	-------	-------	-------	--------------------------

آزمون فرضیه چندمتغیره پژوهش

در این تحقیق رگرسیون چند متغیری به شیوه توام (Enter) انجام شده است که آموزش در مدارس و نقش خانواده، حمایت و همراهی خانواده و رسانه به عنوان متغیرهای مستقل و نهادینه شدن ورزش همگانی به عنوان متغیر وابسته می باشند. در ابتدا تمام متغیرها را وارد کردیم، اما چون مقدار sig در متغیر آموزش در مدارس و نقش خانواده بی معنا بود، آنها را خارج نمودیم و دوباره رگرسیون گرفتیم که نتایج زیر حاصل شد.

در جدول زیر مقدار ضریب تعیین ۰/۱۳۰ می باشد که این مقدار میزانی است که متغیر میزان نهادینه شدن ورزش همگانی توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود که در مجموع در علوم انسانی مقدار نسبتا مناسبی می باشد- مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۱۲۲ است. با توجه به معناداری نتیجه در جدول آزمون F با سطح معناداری $\text{sig}=0/00$ می توانیم به جدول بعدی برای نوشتن فرمول رگرسیون رجوع کنیم. با توجه به نتایج جدول رگرسیون، چون متغیرهای آموزش در مدارس و نقش خانواده در ستون آخر جدول بی معنا بود، آنها را از جدول خارج کردیم و دوباره رگرسیون گرفتیم که نتایج بالا حاصل گردید. نوشتن معادله خط رگرسیونی پیش بینی از ضرایب B استاندارد نشده متغیرها انجام می گیرد که در فرمول خطی رگرسیون قرار می گیرد که به صورت زیر می باشد و در مجموع ضرایب رگرسیونی جهت پیش بینی متغیر وابسته طبق جدول بالا به صورت زیر می باشد. ضریب تاثیر خانواده برابر است با ۰/۱۸۳ که به عبارتی در ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار، حمایت و همراهی خانواده موجب می شود تا انحراف معیار نهادینه شدن ورزش همگانی، ۰/۱۸۳ واحد تغییر کند. همچنین ضریب تاثیر رسانه ای برابر است با ۰/۱۰۷؛ یعنی اگر نهادینه شدن ورزش همگانی ۰/۱۰۷ واحد تغییر کند، با توجه به معادله خط استاندارد بیشترین تاثیر را متغیر خانواده بر متغیر وابسته نهادینه شدن ورزش همگانی گذاشته است و به مراتب سهم بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها دارد:

R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
a۰/۳۶۰	۰/۱۳۰	۰/۱۲۲

ANOVAa					
Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares	Model
.۰۰۰b	۱۶,۹۲۷	۶,۹۹۰	۳	۲۰,۹۷۰	Regression
		.۴۱۳	۳۴۱	۱۴۰,۸۱۳	Residual
			۳۴۴	۱۶۱,۷۸۳	Total

Coefficientsa					
Sig.	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		Model
		Beta	Std. Error	B	
.۰۰۰	۲۱,۰۵۲		.۲۳۷	۴,۹۸۶	ضریب ثابت
.۰۰۰	۴,۶۹۱	.۲۴۵	.۰۳۹	.۱۸۳	خانواده
.۰۵۹	۱,۸۹۸	.۰۹۶	.۰۵۶	.۱۰۷	رسانه

a. Dependent Variable: nahadine

$$Y = a + b_1x_1 + b_2x_2 + b_3x_3 + \dots$$

(عرض از مبدا) ۴/۹۸۶ (خانواده) ۰/۱۸۳ + (رسانه و تبلیغات) ۰/۱۰۷

بحث و نتیجه گیری

یافته های مبتنی بر فرضیه بین خانواده و نهادینه کردن ورزش همگانی نشان می دهد که هر چه حمایت و همراهی خانوادگی افزایش یابد، نهادینه کردن ورزش همگانی هم افزایش پیدا می کند. پس چنین می توان استدلال کرد که خانواده یکی از عوامل مهم و تاثیر گذار بر ورزش همگانی شهروندان تهران محسوب می شود. لازم به ذکر است که خانواده، قوی ترین نیروی سازماندهی است و یک فرد بیش ترین اوقات کودکی اش را در خانه و تحت راهنمایی و همراهی والدین می گذراند. والدین نه تنها تاثیر مهمی در مسائل ورزشی فرزندان می گذارند، بلکه عاملی مهمتر از سایر عوامل می باشند. این نتایج همسو با دیدگاه نظری کارکرد گرایی و تئوری گیدنز مبنی بر مشارکت در فعالیت های ورزشی، ارتباط ویژه ای با دریافت حمایت از جانب دیگران مهم (خانواده) دارد. همچنین در تئوری گیدنز، خانواده نیز از عواملی است که می تواند نقش هنجاری و شناختی در فراگیری و عینیت دادن به نهادینه کردن ورزش همگانی ایفا کند. این نتایج با پژوهش های مرادی (۱۳۸۹) و کریس استیونسون (۱۹۹۹) همخوانی دارد که نتایج به دست آمده نشان می دهد که میزان ورزشی بودن خانواده و حمایت از فعالیت های ورزشی، نگرش خانواده در مورد ورزش در میان اعضای خانواده بر جامعه پذیری افراد و نهادینه شدن تاثیر مستقیم دارد.

یکی دیگر از فرضیه هایی که در این پژوهش به آزمون گذاشته شد، تاثیر رسانه ها در نهادینه کردن ورزش همگانی می باشد که با توجه به نتایج آزمون، همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. در مجموع با توجه به اطلاعات موجود، فرضیه تحقیق رد شد. این نتایج با پژوهش غفوری (۱۳۸۳) و روشندل

(۱۳۸۶) هماهنگ است و با نظریه بودریلارد ناهمسو می باشد که بیان می دارد رسانه ها و بویژه تلویزیون عامل موثری در ترویج ورزش و جلب نظر بینندگان نسبت به رویدادهای ورزشی هستند، در حالی که در این تحقیق رسانه ها در کشور ما بیشتر به ورزش قهرمانی می پردازند و چنان اهمیتی به ورزش همگانی نمی دهند. بنابراین با توجه به این نتایج، این تحقیق با افزایش میزان ساعت و تعداد برنامه ها و مطالب درست و کارشناسی شده تخصصی در زمینه ورزش همگانی در رسانه ها بویژه تلویزیون که مخاطب زیاد دارد، می توان گرایش مردم به ورزش همگانی را پررنگ تر کرد و در جامعه توسعه داد.

در یکی از فرضیه های فرعی در قسمت رسانه ها، بین اطلاع رسانی و تبلیغات و نهادینه کردن ورزش همگانی رابطه وجود داشت و نشان داده شد که استفاده از تبلیغات مناسب جهت آگاه سازی مردم از نقش ورزش در سلامت جسمی و روحی و روانی با توجه به تعداد زیاد رسانه ها می تواند گامی مهم در نهادینه کردن ورزش همگانی باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده، آموزش رسمی با نهادینه کردن ورزش همگانی همبستگی ندارد. در ادبیات نظری و پیشینه آموزش رسمی، یکی از مولفه ها نقش مدارس بوده که تنها به میزان ضعیف تایید شده است؛ از جمله در پژوهش هارنیز و همکاران (۲۰۰۹) که در تحقیق خود پیرامون نقش عامل مدرسه در فعالیت های بدنی در میان نوجوانان، نشان دادند که مشارکت نوجوانان در فعالیت های بدنی فوق برنامه مدرسه ارتباط مثبتی با فعالیت های سازمان یافته در مدرسه داشت. این نتایج با نظریه گیدنز و نظریه کارکردگرایی همخوانی دارد که مدرسه را از عواملی می دانند که می تواند نقشی هنجاری و شناختی در فراگیری و عینیت بخشی به نهادینه کردن ورزش همگانی ایفا کند. مدرسه نقش مهمی در پیشبرد و پالایش مهارت های از قبل فرا گرفته شده افراد بازی می کند و عاملی مهم در عادت دادن افراد به ورزش به شمار می آید- علاوه بر آن که فضای آن زمینه ای مناسب برای فعالیت تشکل های گوناگون ورزشی است. همچنین نظریه گیدنز و نظریه کارکردی در مورد سهم دانشگاه در نهادینه کردن ورزش با نتایج پژوهش حاضر (فرضیه خرد: رابطه بین دانشگاه و نهادینه کردن ورزش همگانی) همخوانی ندارد.

پیشنهادها

- از آنجایی که سلامت جامعه در گرو سلامت افراد جامعه است، پرداختن به موضوع ورزش در زندگی روزمره مردم و ارائه راهکاری هایی در جهت نهادینه کردن ورزش، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

- نهاد های دولتی و غیردولتی موظف به اتخاذ برنامه ریزی علمی و بلندمدت برای جلب گرایش مردم به ورزش همگانی از طریق آموزش عمومی و فرهنگ سازی هستند.
- لازم است که میزان برنامه های تولیدی صدا و سیما و مطالب نشریات ورزشی با محتوای آموزشی و توسعه ورزش همگانی برای تمام اقشار مردم افزایش یابد.
- باید عامل تبلیغات صحیح و کارشناسی شده مورد توجه ویژه قرار گیرد، چون در حال حاضر تبلیغات در تمام دنیا از مهمترین عوامل تغییر نگرش و گرایش افراد محسوب می شود.
- در کتاب های درسی مدارس، مباحثی پیرامون ورزش همگانی گنجانیده شود تا افراد از پایه با فواید و اهمیت ورزش در زندگی آشنا شوند.
- در دانشگاه نیز باید سرفصل های ورزشی برای رشته های غیر تربیت بدنی ارائه گردد.

منابع

- اسکات، ریچارد. (۱۳۸۷). **نهادهای و سازمان‌ها**. مینا دده بیگی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- اسلامی، حسین. (۱۳۸۸). «طراحی مدلی برای نهادی کردن تولید علم از طریق رسانه‌های جمعی در راستای تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور». رساله دکتری مدیریت رسانه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- رضایی خلیل‌آبادی، غلامرضا. (۱۳۷۳). «بررسی انگیزه‌های افراد شرکت‌کننده در ورزش همگانی شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- روشندل اربطانی، طاهر. (۱۳۸۶). «طراحی و تبیین مدل نهادی کردن برنامه‌های راهبردی جامعه در افکار عمومی از طریق رسانه‌های جمعی؛ مورد سند چشم‌انداز بیست ساله ایران ۱۴۰۴». رساله دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه تهران.
- روشندل اربطانی، طاهر. (۱۳۸۶). «تبیین جایگاه رسانه‌های همگانی در نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور». مجله حرکت. شماره ۳.
- سلطانی تیرانی، فلورا. (۱۳۷۵). **نهادی کردن نوآوری در سازمان، به انضمام الگوی نهادی کردن بهبود و نوآوری در سازمان‌های صنعتی ایران**. تهران: انتشارات موسسه خدمات فرهنگی رسا
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: انتشارات سروش
- غفوری، فرزاد. (۱۳۸۲). «تعیین عوامل اصلی مؤثر بر گرایش به ورزش همگانی و قهرمانی برای تعیین راهبردهای ورزش در جمهوری اسلامی ایران». رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- غفوری، فرزاد. (۱۳۸۶). «مطالعه انواع ورزش‌های همگانی و تفریحات مطلوب جامعه و ارائه مدل برای برنامه‌ریزی‌های آینده». طرح پژوهشی.
- فرهنگی، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). «رسانه‌های جمعی و نقش آنها در ساختار اجتماعی واقعیت». فصلنامه دانش مدیریت. شماره ۲۹ و ۳۰.

- قلیپور، آرین. (۱۳۹۰). *جامعه شناسی سازمان ها؛ رویکرد جامعه شناختی به سازمان و مدیریت*. تهران: انتشارات سمت
- کرایب، یان. (۱۳۸۵). *نظریه اجتماعی مدرن*. عباس مخبر. تهران: نشر آگه
- کوش، دنی. (۱۳۹۲). *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*. فریدون وحید. تهران: انتشارات سروش
- مرادی، رامین. (۱۳۸۹). «بررسی نقش خانواده در جامعه پذیری ورزشی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ویس، اُتمار. (۱۳۸۹). *مبانی جامعه شناسی ورزش*. کرامت الله راسخ. چاپ اول، تهران: نشر نی
- Aman, M. S., Mohamed, M., and Omar-Fauzee, M. S. (۲۰۰۹). **“Sport for All and Elite Sport: Underlining Values and Aims for Government Involvement via Leisure Policy”**. European Journal of Social Sciences, Vol. ۹, No. ۴, Pp: ۶۵۹-۶۶۸.
- Baudrillard, J. (۱۹۹۰). **“Mass media culture”**. In *Revenge of the crystal: selected- and Julian Pefains*. London. Pluto Press.
- Baudrillard, J. (۱۹۹۰). **Revenge of the crystal**. London: Pluto
- Goodman, P, S., Bazerman, M. & Conlon, E. (۱۹۸۰). **“Institutionalization of Planned Organizational Change”**. Tepper School of Business. Paper ۸۹۵.
- Haerens, L., Craeynest, M., Deforche, B., Maes, L., Cardon, G., and De Bourdeaudhuij, I. (۲۰۰۹). **“The Contribution of Home, Neighbourhood and School Environmental Factors in Explaining Physical Activity among Adolescents”**. Journal of Environmental and Public Health, Pp: ۱-۱۰.
- Hankonen, N. (۲۰۱۱). **Psychosocial processes of health behaviour change in a lifestyle intervention: Influences of gender, socioeconomic status and personality**. DISSERTATION, University of Helsinki.
- Honey Bourne, J. Hill, M. Moors, H. (۲۰۰۰). **Physical Education and Sport**. Stanley Thorne's ۲. ND ED.
- Horne, jhon. (۲۰۰۰). **Understanding sport: an introduction to the sociological cultural analysis sport**. London, E&FN spon writings on the odern object and its destiny, ۱۹۶۸- ۱۹۸۳, Ed. And trans. Paul Foss.
- Lubans, D. R., Sylva, K. and Morgan, P. J. (۲۰۰۷). **“Factors associated with physical activity in a sample of British secondary school students”**. Australian Journal of Educational & Developmental Psychology, Vol. ۷, Pp: ۲۲-۳۰.
- Morton, K. L., Wilson, A. H., Perlmutter, L. S., and Beauchamp, M. R. (۲۰۱۲). **“Family leadership styles and adolescent dietary and physical**

- activity behaviors: a cross-sectional study**". International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity, Vol. 9, No. 48, Pp: 1-9.
- Mull, R., Kathryn, F., Bayless, G., Ross, C., M., Jamieson, L., M. (1997). **Recreation Sport Management**. Human Kinetics.
 - Tucker, P., Van Zandvoort, M. M., Burke, S. M., Irwin, J. D. (2011). **"The influence of parents and the home environment on preschoolers' physical activity behaviours: A qualitative investigation of childcare providers' perspectives"**. BMC Public Health, Vol. 11, No. 168, Pp: 1-7.

Sociological Factors Affecting the Institutionalization of Sport (Casestudy: Citizens of Tehran)

Azam Shiruei

Ph.D. in Sociology, Lecturer of Electronic Campus, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Reza Esmaeili

Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Sara Kashkar

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran

Hossein Asadi

Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran

Received: 12 Jun. 2017

Accepted: 17 Jul. 2017

Today, health is one of the main pillars of sustainable development and an integral part of it. In other words, imagination of having a developed society without a healthy population is an illusion. Since Sport and especially sport for all, is the life expectancy of the population through health promotion, one of the indicators of human development can be seen in communities. This study is based on a survey approach to explain the impact of social variables (family, media and formal education) on the institutionalization of sport in the country. The citizens living in Tehran were as the population and 400 subjects were chosen randomly from the four metropolitan area. The data collected by means of questionnaires. The reliability and validity of the questionnaires were obtained through Cronbach's alpha coefficient threshold using the construct validity. The results revealed that there is a significant relationship between family and institutionalization of sport. Results of regression analysis showed that the family can be compared to the mass media and formal education. Also a stronger predictor of institutionalization of sport results showed solidarity

between the media and formal education, but there was no significant relationship with the institutionalization of sport.

Key Words: Sport, Media, Formal Education and Family